



مارها جور و جورند

طاهره خردور



مار گُبرا

گفتم: مار گُبرا، چرا گلویت باد کرده؟
مریضی؟
گفت: نه، مریض نیستم. خودم گلویم را باد کرده‌ام تا دشمن را بترسانم.
فهمیدم: مارهای گُبرا برای ترساندن دشمن، سرشان را بالا می‌گیرند و گلویشان را باد می‌کنند.



مار آبی

گفتم: مار آبی پس دُمَت کو؟ شاید که دُم نداری!
گفت: چرا دارم. اما دُمم باریک نیست، پهن و کلفت است.
فهمیدم: مارهای آبی دُم پهن و کلفت دارند. آن‌ها با این دُم پهن، می‌توانند به راحتی در آب شنا کنند.

مار آفعی

گفتم: مار آفعی، چه دندان بلندی داری!
گفت: دندان نیست. این نیش من است که پُر از زهر است.
فهمیدم: مارهای آفعی نیش بلندی دارند. آن‌ها باید نیش خود را تا کنند تا بتوانند دهانشان را ببندند.

